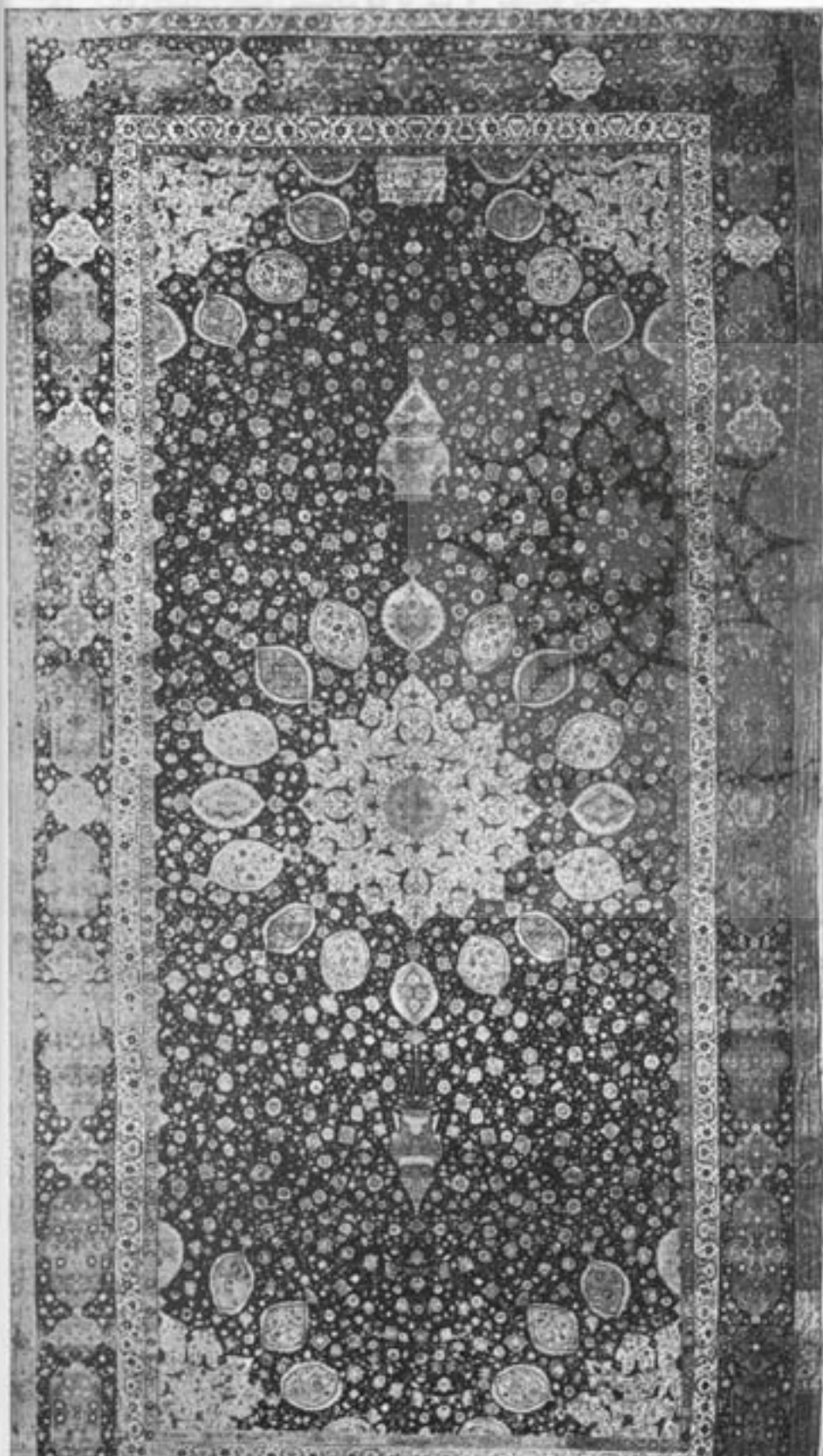


قالیهای ایرانی در موزه ویکتوریا و آلبرت

بقلم ماری تره گیر از موزه ویکتوریا و آلبرت

قالیهای نفیس ایرانی در موزه ویکتوریا و آلبرت عالیترین نمونه های صنعت بافتندگی اسلامی است. شک نیست که صنعت قالی بافی در هر ناحیه ای از ایران دارای مشخصات مخصوص بخود از نظر رنگ و نقش است. اما بافت قالی بطور کلی در کلیه نقاط ایران یکسان است و قالی باقان ایرانی در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در این صنعت بنهایت درجه مهارت فنی رسیده اند. حتی آنزمان هم که وحدت سرتا سر ایران بوسیله سرسلسله خاندان صفوی شاه اسمعیل تضمین گردید باز سبکهای خاص در هر محل باقی ماند و بافتندگان هر ناحیه به سن دیرین بافتندگی محلی خود وفادار ماندند. اینک غالب خیرگان قالیهای بسیار ظریف و خوش نقش را که با گلها و حیوانات و آدمیان بنحو کاملی زینت یافته اند قالیهای خاص ایران میدانند و قالی ایرانی را بدین خصائص میشناسند. اما باید دانست که این نوع قالیها همواره در مراکز قدرت و در پایتخت ها و بدستور شاهنشاهان و درباریان بافته میشده اند و نمونه هایی از همین قالیهای شاهانه است که اینک زیور غالب موزه های جهان است.

در موزه ویکتوریا و آلبرت در انگلستان چند نمونه از این ظریف ترین هنر دست آدمی موجود است.



ابتدا از قالی معروف اردبیل نام ببریم. این قالی تا سال ۱۸۴۳ در مسجدی در اردبیل وجود داشته است. و در همین سال است که نظریک سیاح انگلیسی را بخود جلب کرده است. مسافر مزبور وجود این قالی را بدینگونه گزارش داده است: «بقایای رنگ باخته یک قالی که روزگاری عالیترین نمونه صنعت قالی بافی بوده است در مسجد اردبیل موجود است». بزودی این قالی و چهار قالی دیگر خریدند و بوسیله بازرگانان بانکستان حمل گردید. و در پایان قرن نوزدهم بتشویق ویلیام موریس و مشتاقان دیگر این قالی اردبیل از بازار کانان خریدار بوسیله اعانه ملی خریداری شد و بموزه ویکتوریا و آلبرت اهدا گردید. در همین اوان از یکی از آن چهار قالی کوچک دیگر برای تعمیر و مرمت قالی بزرگ اردبیل استفاده کردند. هر چند قسمت زیادی از قالی اردبیل بهمین ترتیب مرمت شده است اما اینکار با چنان مهارتی انجام یافته است که اینک کوچکترین اثری از وصله ناجور بر آن نمی بینیم و بعلاوه قالی بزرگ و بی نهایت زیبایی در اختیار ماست. این فرش دارای ۱۱۵۲ سانتیمتر طول و ۵۳۴ سانتیمتر عرض میباشد و بافت آن بیحد ظریف است. چنانکه در هر اینچ مربع آن ۲۴۰ گره بافته شده است (معمولاً در قالیهای ظریف جدید در هر اینچ مربع از ۶۰ تا ۳۰۰ گره بافته میشود) مجموعاً در قالی اردبیل سی میلیون گره (گند) زده شده است. و این مطلب مینماید که چه شاهکاری بوجود آورده اند. اما نقش آن از نظر زیبایی و رنگ آمیزی و ظرافت طرح، خود شاهکار برتری است. سیزده رنگ مختلف در آن بکار برده اند اما این رنگها را چنان تناسبی بهم آمیخته اند که وحدت و هم آهنگی مجموعه بی مانند است.

ترنج وسط و چهار لچک گوشه های قالی برنگ زرد و زمینه آن آبی سیر است. دو قندیل آویزان که بالا و پائین ترنج وسط آویخته با رنگ آبی و زرد اصیل روحانیت مسجد را با کعبه و مناره هایش بیاد می آورد و آدمی میتواند ببیند بشد که تا چه حد با محراب و قندیل روشن مسجد هم آهنگ بوده است

(۱) حیرت آور است که قالی مسجد را بفروشنه زیرا که اموال مسجد موقوفه مسجد است و کسی حق خرید و فروش اموال موقوفه را ندارد. البته این معامله در سال ۱۸۴۳ صورت گرفته است و خوشبختانه در حال حاضر متصدیان امور در کشور ما آنقدر فهمیده و دلسوز هستند که نظائر چنین معاملاتی را رغبت ندهند. - مترجم.

و بذوق طراح این قالی آفرین بگوید که چنین نقشی در نحو خانه خدا تعبیه کرده است. گلهای کمرنگ که با گردش ختائی ها چرخیده اند تمام زمینه آبی سیر قالی را پر کرده اند. و این ختائی ها و گلهای مجرد سبک خاص پایتخت صفوی اصفهان و همچنین کاشان بوده است. این قالی دارای چهار حاشیه با پهنای مختلف است. زمینه حاشیه اصلی برنگ قرمز است. باید دانست که حاشیه ها در قالیهای ایرانی تعادلی نظیری دارند. معمولاً طراحان ایرانی سه یا چهار یا بیشتر یا کمتر حاشیه تعبیه می کنند و این حواشی دارای چنان تناسب حساب کرده ای هستند که همواره متن اصلی را جلو و حیرت آوری می بخشند و با آن بطرز عجیبی هم آهنگند. و همین تناسب حاشیه و متن است که قالیهای ایرانی را از حیث تعادل ممتاز می سازد و وحدت شکفت آوری بجزئیات طرحها، اسلیمی ها، ختائی ها و گلهای می بخشد.

اهمیت قالی اردبیل گذشته از اندازه و طرح و رنگ آمیزی بقدمت آن است. در این قالی خوشبختانه تاریخ بافت و نام بافنده بترتیب زیر ذکر شده است. ابتدا این شعراست که:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست
سر مرا بجز این در حواله گاهی نیست

و بعد نوشته شده است: «عمل بنده در گاه مقصود کاشانی - سنه ۹۴۶». بدین ترتیب این قالی تقریباً در سال ۱۵۴۰ میلادی پایان رسیده است. و این تاریخ گزاری که کمتر در قالیهای موجود دیده میشود روشن مینماید که سبک قالی بافی ایران در اواسط قرن شانزدهم چگونه بوده است. بعلاوه ما میتوانیم زمان بافت قالیهای دیگر را با مقایسه سبک آنها با سبک قالی اردبیل تا حدی حدس بزنیم و از آنجمله قالی چلسی (Chelsea) را که در مجموعه قالیهای نفیس موزه ویکتوریا و آلبرت است بواسطه شباهت آن با قالی اردبیل متعلق بهمین قرن بدانیم.

قالی چلسی در همین محل در لندن خریداری شده است و بهمین مناسبت این نام بی مسمی بر آن نهاده شده. باغلب احتمال قالی اخیر بقدمت قالی اردبیل است و در همان نواحی مرکزی بافته شده است که شاهکار اردبیل در آن بوجود آمده. قالی چلسی حتی از قالی اردبیل نیز ظریفتر است زیرا در هر اینچ مربع آن ۴۷۰ گره بافته شده است؛ اما کوچکتر از قالی اردبیل است (۳۴۰ در ۳۱۶ سانتیمتر).

طرح اصلی آن بر ترنج ها و لچک های متناسب است اما میان ترنجه و لچک ها را با نقش پرندگان و حیوانات شکاری و شکارچیان و درخت های میوه و پرشکوفه پر کرده اند. حیواناتی که برهم بورش برده اند و شکارچیان که در کار شکار حیواناتند، جنبش و حرکت این حیوانات و تحرک شکارچیان، گلها و گیاهان با واقعیتی شاعرانه، این همه یک حالت شاد و حیات بخش بمجموعه داده اند و بعلاوه حاکی از نهایت مهارت صنعتی بافندگان ایرانی میباشند. در وسط قالی حوضچه ایست که در آن ماهیان شناورند. گلدانهای پر گل این حوضچه را احاطه کرده و شیران با یال و کوبال پر موج و شکن خود این گلدانها را حفاظت می کنند. این باغ سرسبز، و این شکار گاه پر از شکار سبک خاص هنر ایرانی و دارای اختصاصات هنر ایرانی و اسلامی است. اما در حاشیه حیوانات افسانه ای وحشی و اژدها و ابرهای نوار مانند چینی در میان حرکت اسلیمی ها بچشم میخورد. رنگ اصلی قالی چلسی قرمز و آبی است اما حیوانها و گیاهان و اشجار بایسی رنگهای گوناگون مزین شده اند. و این چنین رنگ آمیزی تأثیری چنان محرک دارد که آدمی از دیدار آن سیری نمی پذیرد و هر باز که باین قالی بتگری بجزئیاتی تازه و زیباییهایی دیگر گونه برمیخورد.

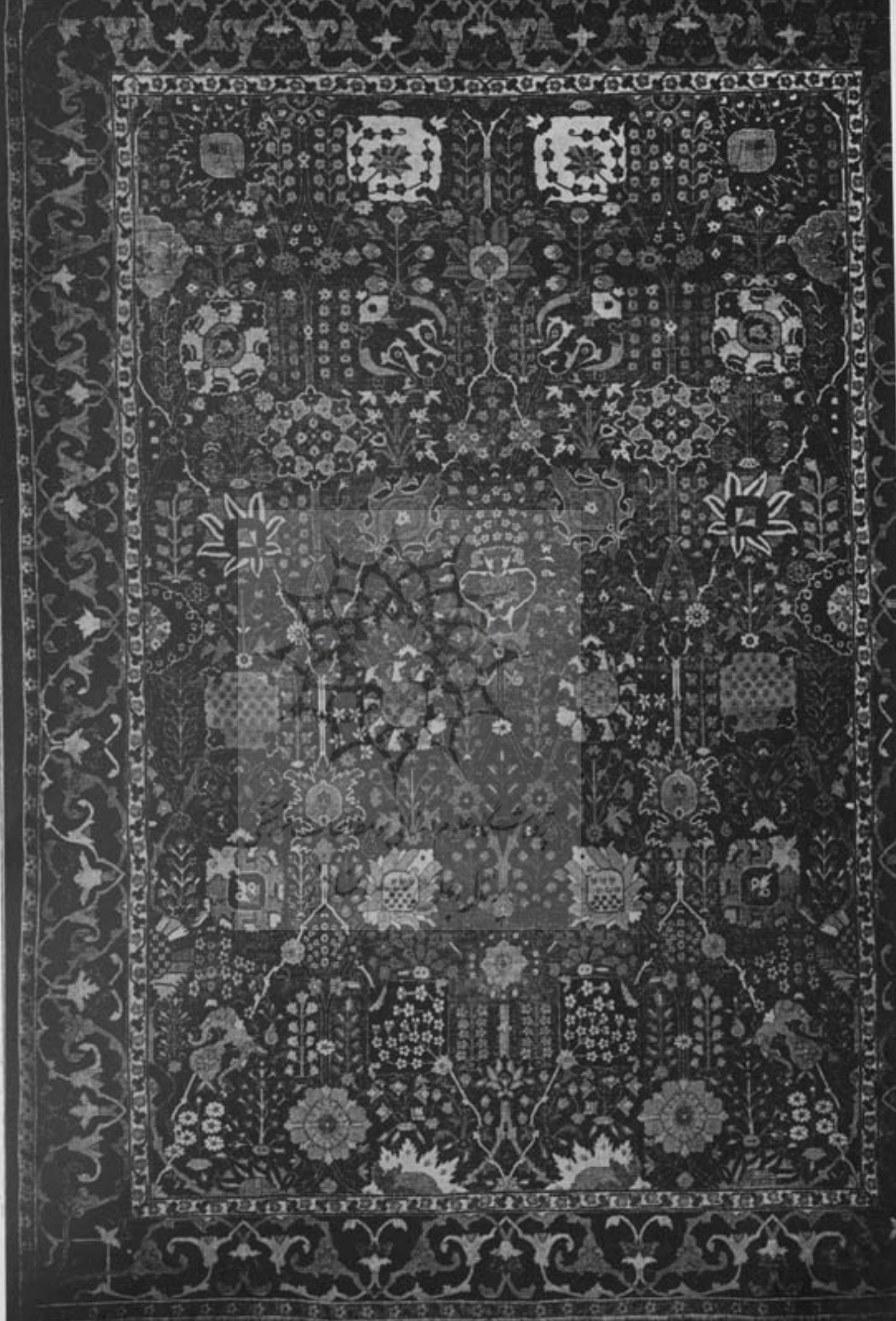
قالیهای معروف بلهستانی در موزه ویکتوریا و آلبرت نیز در همین اوان و در همان ناحیه یعنی نزدیکیهای اصفهان یا کاشان بافته شده اند. این نام از آنجهت است که ابتدا تصور میکردند قالیهای مزبور بوسیله بافندگان ایرانی در لهستان بافته شده اند. اما در واقع این فرشها بدستور شاه و درباریان ایران برای کاخهای شاهی تهیه شده است و گرانبهاترین و پر جلوه ترین قالیهای ایرانی بوده. تار و پود این قالیها از پشم بسیار نازک، ابریشم، گلابتون زرین و سیمین است. سیاحان قرن هفده در آثار خود از قالیهایی که با گلابتون زرین و سیمین بافته شده اند نام میبرند و مینویسند که در کاخهایی پذیرائی شده اند که با این چنین فرشها مفروش بوده است و بر پشتهائی تکیه زده اند که از قالیها بسی نفیس تر بوده. آدمی میتواند در پندار خود عظمت و جلال این کاخها و غنای سرشار این فرشها را، وقتی که نو بوده اند، در نظر مجسم سازد. متأسفانه این نوع قالی زربفت بهرور زمان رنگ خود را میبازد و قالیهای

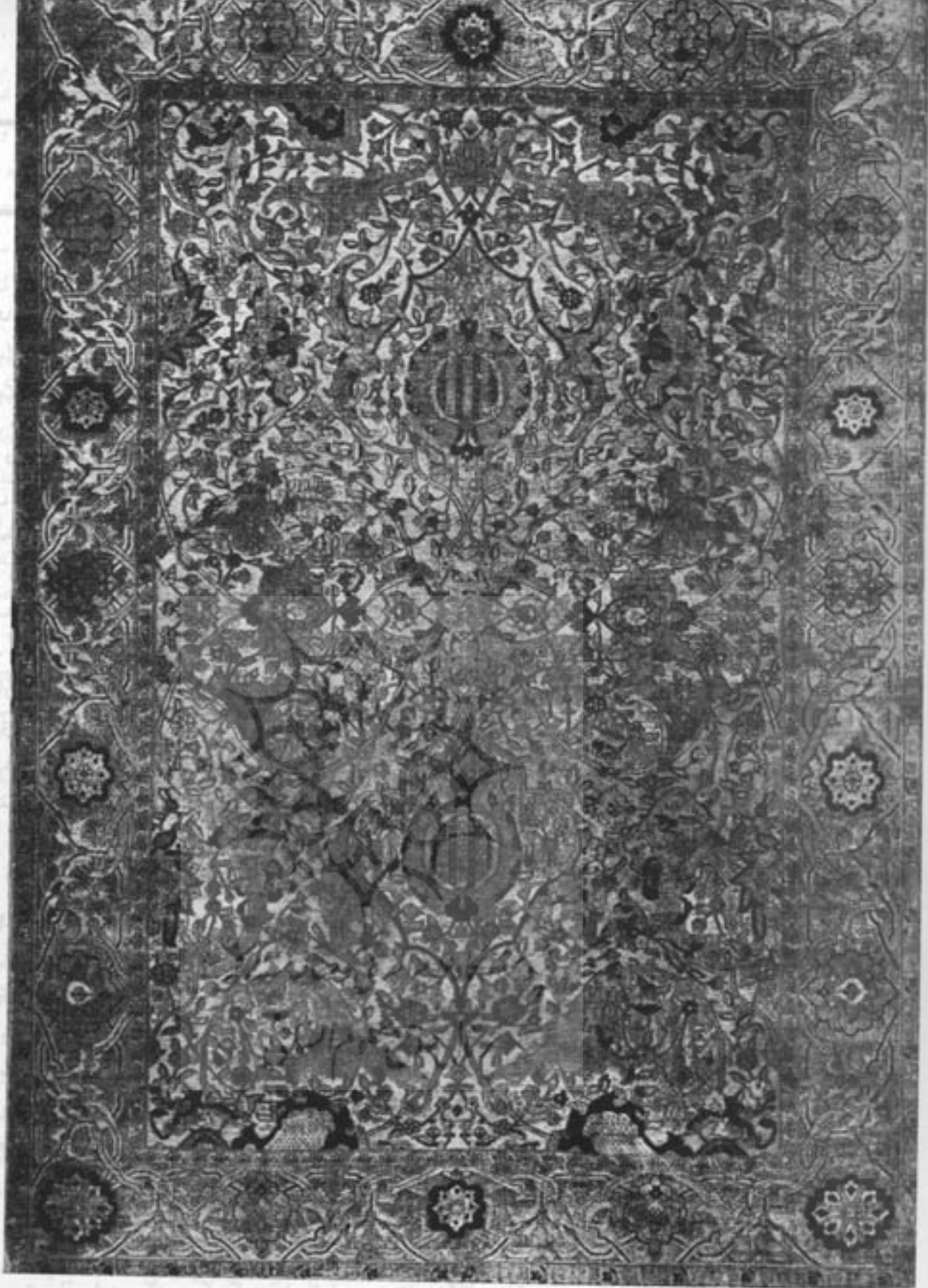
معروف بلهستانی هم که تصویری از یکی از آن ها ضمن این مقاله به چاپ رسیده است و دارای تارهای ابریشمی با تزئینات نخهای سیمین و زرین است اینک رنگ باخته است. واضح است که قالیهای ابریشمی رنگ پریده تر و نرم تر از قالیهایی هستند که با پشم بافته میشوند. رنگ اصلی این قالی که تصویر آن ضمیمه است سبز و آبی است. این نوع قالیها معمولاً بدستور شاهان برای اهداء بسلاطین خارجی بافته میشوند و به همین دلیل است که اینگونه فرشهای ابریشمی زربفت را غالباً در موزه های سلطنتی اروپائی می بینیم و در مجموعه های شخصی کمتر بآنها بر میخوریم.

اینک بشرح یک نمونه قالی که بسبک اصفهان و کاشان نیست و متعلق است بنواحی شمال غربی ایران می پردازیم. این قالی معروف بقالی گلدانی است. بهترین نمونه این سبک، قالی کوچک و بی تقصی است که زمانی بویلیم موریس متعلق بوده است و اینک در اختیار موزه ویکتوریا و آلبرت است. طرح اصلی در این قالی (که تصویر آن نیز باین مقاله منضم است) ختائی های مستقیمی است که غالباً بدوشاخه منتهی گشته اند و گلهای طراحی شده و عجیب را در بر گرفته اند. ما نام «گلدانی» باین نوع قالی داده ایم زیرا طراح معمولاً در وسط طرح گلدانی را میکشیده و گلها بی آنکه از گلدان سر بدر آورند تمام حول و حوش گلدان را پر میکرده اند. طرح گلدانی کم کم از میان رفته است. در واقع در قرن ۱۸ میلادی این طرح بسادگی و خشونت گرائیده است و تقریباً مانند طرحهای کاشی جزئیات تزئینی خود را از دست داده است.

قالیهایی که نزد ما بنام قالیهای باغی معروفند، از آنجهت که باغ پر گل و گیاهی را مینمایند، نیز در مغرب ایران زیاد بافته میشوند. متأسفانه در موزه ویکتوریا و آلبرت قالی قدیمی باین سبک وجود ندارد و فقط یک نمونه متعلق بقرن ۱۸ وجود دارد که گلها و گیاهها در آن بطبیعت نزدیکتر است. (در صورتیکه طرحهای اولیه در هنر ایرانی بیشتر بصورت طرحهای مجرد نقش میشدند.) سبک قالیهای باغی نیز مانند سبک قالیهای گلدانی بانحطاط و خشونت گرائید.

غیر از این نمونه هائی که ذکر کردیم دیدار کننده موزه ویکتوریا و آلبرت میتواند از مخزن موزه مجموعه فرشهای کوچک و قالیچه ها و فرشهای چادرهای ایلات قالی گلدانی (متعلق بویلیم موریس) که اینک در اختیار موزه ویکتوریا و آلبرت





قالی زربفت معروف بلهه
(موزه ویکتوریا و آلبرت)

چنین مجموعه نفیس و نادر و متنوعی از فرشهای ایرانی را اختیار دارد. هرچند این قالیهایی کهنه اند اماچنان خوب حفاظت شده اند که زیبایی آنها و بافت و جنس عالی و طرحهای حیرت آورشان در نظر اول تماشاچی را بخود میخواند.

ایرانی و خورجین ها و جل های متعلق بقرون اخیر ایران را بخواهد و دیدار کند. در میان انواع اخیر فرشهای ایرانی قالیچه های نفیسی است که شاه ایران در سال ۱۸۷۶ بموزه اهدا کرده است. موزه ویکتوریا و آلبرت بسی مفتخر است که این